

فرہنگ سائنس

امام زما در راہ کس





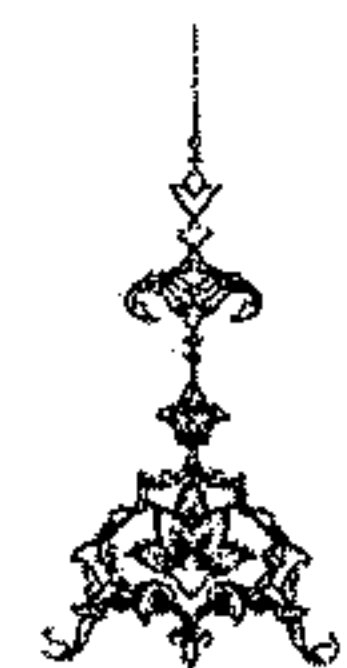
سید محمد علی



فرهنگ انتظا

لام زما در راه است

اقدس کاظمی



لام زما در راه است





« فرهنگ انتظار »

امام زمان (عج) در راه است ...
سروده‌هایی از: اقدس کاظمی (مژگان)
۰۹۱۲ ۶۲۰ ۵۸۸۷

نوبت چاپ / اول
تاریخ انتشار / شهریور ماه ۱۳۸۵
شمارگان / ۲۰۰۰
چاپ / بقیع
قیمت / ۶۰۰ تومان

ناشر / انتشارات سلسله
قم - خیابان ارم، پاساژ قدس، شماره ۹۷
کد پستی / ۳۷۱۳۷-۱۳۹۹۳
صندوق پستی / ۱۴۸-۳۷۱۶۵
تلفن / ۷۷۳۰۷۱۷
فاکس / ۷۷۴۹۱۰۸

WWW.SELSELE.KETABNAMEH.COM

E.Mail : [Selseleh_pub @ Hotmail.com](mailto:Selseleh_pub@Hotmail.com)

شابک / ۹۶۴-۸۷۸۸-۲۲-۴ ISBN: 964-8788-32-4

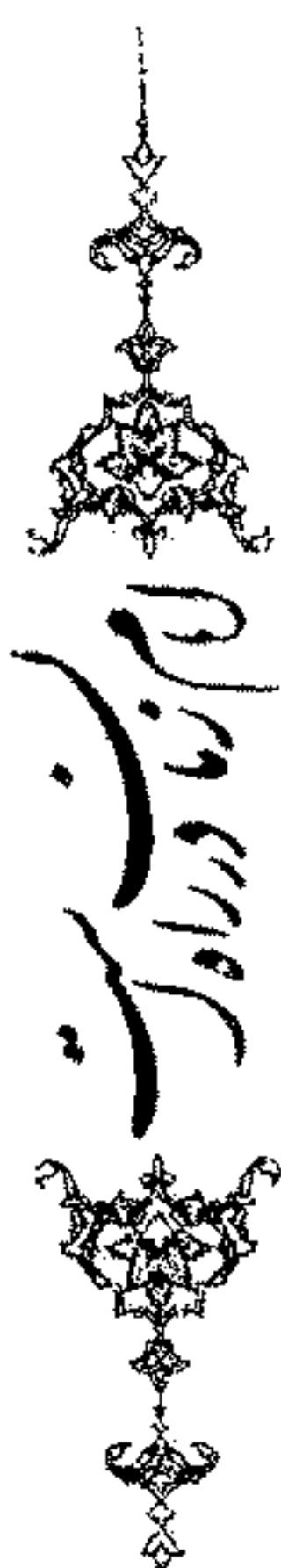
این کتاب را هدیه می‌کنم:

به ارواح طیبه‌ی دو بانوی بزرگوار که در تربیت دینی و اخلاقی
من نقش به‌سزایی داشتند

۱- حاجیه خانم عذرا کبیری، معلم قرآن که در مکتب خانه از سن
پنج سالگی تا نه سالگی روح و روان مرا با قرآن و عترت آشنا
کرد و درس عفت و تقوا را به من آموخت.

۲- خانم ربابه جواهری مادر بزرگ ایثارگر و فداکاری که تمام
بار زحمت مرا از کودکی بر دوش کشید و در تمام دوران زندگی
یار و مددکارم بود و به من درس وفاداری، مهر و رزی، شجاعت
و محبت را آموخت که هر چه دارم از بزرگواری اوست.

روحشان شاد و راهشان مستدام باد.



مقدمه:

امام زمان در راه است

چند سالی ست به دلم برات شده آقا در راه است و عطر حضور ایشان را استشمام می‌کنم. حال و هوای خاصی دارم ولی امروز حال و هوایم غیر از روزهای دیگر است و حال عجیبی دارم. آخرین ویراستاری کتاب «گل نرجس» تمام شده و برای چاپ آماده است تصمیم می‌گیرم این کتاب را شروع کنم از خداوند مدد میطلبم.

برای انجام کاری به خیابان می‌روم. پیرمردی نابینا را می‌بینم که دسته‌ای فال حافظ در دست دارد. برای اینکه به او کمکی کرده باشم به حافظ تقالی زده یکی از آنها را از لابلای پاکت‌ها برمیدارم و در کنار خیابان پاکت را باز کرده و از مولانا حافظ شیرین سخن اینگونه پاسخ دریافت می‌کنم:

باز آی دل و جال مرا مونس جان باش

وین سوخته را محرم اسرار نهان باش

خون شد دلم از حسرت آن لعل روانبخش
ای درج محبت به همان مهر و نشان باش
دلدار که گفتا به توام، دل نگران است

گو میرسم اینک به سلامت نگران باش
توضیح اینکه این کتاب برگرفته از بخش اول چشم اندازی
از حکومت مهدی تألیف حضرت حجة الاسلام و المسلمین
حاج آقا نجم الدین طبسی میباشد که کتاب معظم له منبع اصلی
این کتاب میباشد. آرزوی توفیق برای آن بزرگوار را دارم.
اکنون به شرح مقدمه‌یی از زندگی حضرت ولی عصر و
الزمان (عج) مهدی موعود می‌پردازم.

امام زمان پنج ساله بود که پدر وی شهید شد یعنی در سال
۲۶۰ هـ که ایشان از آن پس در مخفی‌گاه به سر میبرد و در
حقیقت غیبت صغری از این زمان آغاز شد که تا نیمه‌ی شعبان
سال ۳۲۹ هـ ادامه یافت که حضرت چهار تن از فقهای ربّانی
را از طرف خود انتخاب نمودند که از طرف ایشان در بین مردم
باشند که به نواب چهارگانه معروفند:

- ۱- عثمان بن سعید که در سال ۳۰۰ هـ فوت کرد.
 - ۲- محمد بن عثمان که در سال ۳۰۵ هـ وفات نمود.
 - ۳- حسین بن روح که در سال ۳۲۶ هـ فوت کرد.
 - ۴- علی بن محمد سیمری که در سال ۳۲۹ هـ وفات نمود.
- لذا از سال ۳۲۹ هـ غیبت کبری شروع شد که به امر حق، تا



هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) ادامه خواهد داشت
(بجاریانوار ج ۵۱، ص ۳۴۴)

پیامبر مکرم اسلام درباره‌ی ایشان می‌فرمایند:

«المهدی مِنْ وُلْدِی اَرْبَعِیْنَ سَنَةً کَانَ وَجْهُهُ کَوْکَبٌ دَرِّیٌّ فِی
خَدِّهِ الْاَیْمَنِ، خَالٌ اَسْوَدٌ، عَلَیْهِ عِبَائَتَانِ قِطْوَانَتَانِ کَانَهُ مِنْ رِجَالِ
بَنِیْ اِسْرَائِیْلِ. یَسْتَخْرِجُ الْکُنُوزَ وَ یَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرَکِ.»

مهدی، فرزند من چهل سال دارد و صورتش مثل ستاره
درخشان است و در گونه‌ی راست او خال سیاهی وجود دارد و
دو عبا‌ی قطوانانی بر دوش او می‌باشد. او مثل مردهای بنی
اسرائیل است، گنج‌ها را بیرون می‌آورد و کشورهای شرک و
کفر را می‌گشاید و تحت سیطره‌ی خود در می‌آورد (اثبات الهداة
ج ۷، ص ۱۸۵)

دوران غیبت امام

۱- غیبت صغری از سال ۲۶۰ ه‍.ق تا ۳۲۹ ه‍.ق

۲- غیبت کبری از سال ۳۲۹ ه‍.ق تا نهضت جهانی آن

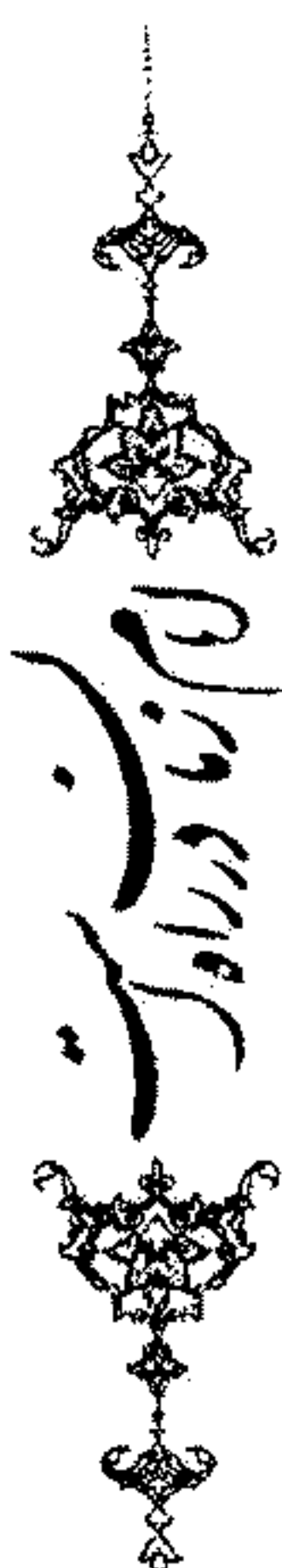
حضرت.

امام حسن عسکری می‌فرماید:

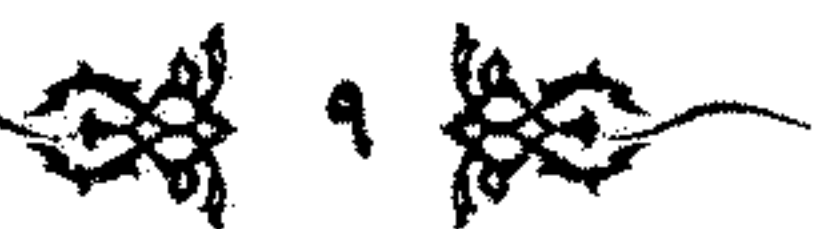
«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیْتَةً جَاهِلِیَّةً»

هیچ‌گاه زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند، اگر کسی بمیرد و

امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.



امام زمان در راه است



«کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۵۱»

آیا عقیده به ظهور مصلح جهانی در آخر الزمان مخصوص مذهب شیعه است؟

ادیان دیگری هم معتقد به ظهور مُصلح جهانی هستند که در منابع اهل تسنن، روایات بسیاری آمده است و نیز در کتاب‌های توراة و انجیل و اوستا و نیز در کتب هندویان و در میان مصریان و چینی‌ها سخن از مصلح جهانی آمده و منتظر ظهور می‌باشند. آیات متعددی که در قرآن مجید آمده و تأویل آن تطبیق با حضرت ولیّ عصر دارد:

۱- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱

«به تحقیق ما در زبور (کتاب داود) نوشتیم پس از آنکه این مطلب در ذکر «توراة» نیز آمده است بندگان صالح وارث زمین می‌شوند.»

۲- «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِنُّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^۲

«اراده‌ی ما بر این قرار است که به مستضعفین نعمت بخشیم و

۱- سورة انبياء، آیه ۱۰۵.

۲- سورة قصص، آیه ۵-۶.

آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم. حکومت آنان را محکم و پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها، آنان را نشان دهیم که از آن بیم داشتند.»

۳- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱

«او خدایی ست که رسولش را با دلایل روشن فرستاد تا بر تمام ادیان، آن را غالب گرداند گرچه مورد رضایت مشرکین نمی باشد.»

از این آیه استنباط می شود که روزی اسلام بر تمام ادیان غلبه خواهد یافت و سراسر جهان، زیر پرچم اسلام قرار خواهد گرفت و نویدی بر حکومت جهانی مهدی است. انشاء الله.

اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ ناصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

اقدس کاظمی

اردیبهشت ۱۳۸۵

۱- سوره صف، آیه ۹.

مقدمه:

امام زمان در راه است

ز دور کبودکی در پای قرآن

شدم من آشنا با نام یزدان

معلم دایم از دین خدا گفتم

که در این باره هر دم قصه‌ها گفتم

شدم آگه ز دوران امامت

که باقی هست تا روز قیامت

بگفتا میرسد روزی که دنیا

به هرجا بنگری تغیر آن را

رسد جایی که هر فرزند دل‌بند

نگیرد در امورش از پدر پند

رسد دوران وانفسا که هرجا

پدر هم نشنود آوای او را

شود تغیر در حالات مردم

که بنمایند راه چاره را گم

نظام جامعه در هم بریزد

جوان با والدین خود ستیزد

نظام جامعه وقتی فرو ریخت:

غمی جانکاه با دلها در آمیخت



بدان آن موقع هنگام ظهور است
و آماده شدن بهر حضور است
بباید ناگهان دجال در راه
که مردم را کند از راه، گمراه
فقط باید برای حفظ ایمان
همه رو کرده بر فرمان یزدان
و گرنه جز مسیر راه الله
به هر راهی روی گردی تو گمراه
که راه حق، همیشه مستقیم است
نشان راه، قرآن کریم است
فقط باید به یزدان روی آریم
امور خویش را بر او سپاریم
یقین دارم که در عصر ظهوریم
ولی شرمنده از فیض حضوریم
معلم داد این ره را نشانم
که من از کودکی دنبال آنم
از آن روزی که دل جای خدا شد
دل من با حقیقت آشنا شد
شدم آگاه در عهد ظهوریم
ولیکن از وظیفه دور دوریم



بُودش سال دل گردیده آگاه

یقین دارم که حضرت هست در راه

شده پیدا علامات و نشانه

نمیدانم که آگاهید یا نه!

نشانها را کنون بر می شمارم

بر آنها اعتقادی خاص دارم

دلم بی تاب و روحم بیقرار است

خدا داند زمان انتظار است

کنون دوران وانفاس است امروز

پُر از رنج و مصیبتهاست امروز

پسر امروز در فکر پدر نیست

پدر هم نیز از او با خبر نیست

جوامع هم شده فرزند سالار

نهاد جامعه گردیده بیمار

گریزانند چون از پند پیران

همه درگیر با خویشانند و نالان

دگر با تجربه کاری ندارند

برای خویش معیاری ندارند

ز یکسو مشکلات خانواده

به پای بچهها بندی نهاده



یکی هم مشکل فقر و گرانی ست
که خود بنیان کن این زندگانی ست
به دورانی که از خوبی اثر نیست
پدر هم نیز در یاد پسر نیست
جوانان را اگر بد پروراندیم
و بذر کینه در دلها نشاندیم
بر آنان هیچ تقصیری روا نیست
که در دنیا مقصر غیر ما نیست
نهالی را بر این پهنای نشاندیم
به وقت خویش چون آتش ندادیم
تمام برگ و بار از تشنگی سوخت
و در آتش تمام زندگی سوخت
یقین دارم که دوران ظهور است
که آثارش همه عین حضور است
شنیدم دور و انفسا که آید
تو گویی زندگانی هم سر آید
همه تا بوق سگ هستند بیدار
پگاهان هم پریشان حال و بیمار
تمام روز بد احوال هستند
همه آنان پریشان حال هستند



نمی فهمند معنای جوانی

نه لذت می برند از زندگی

همه مردان و زنها لخت و عورند

و از غیرت عموماً دور دورند

تو گویی آبرو اصلاً ندارند

که پا روی شرافت می گذارند

همه چون کرم می لولند با هم

بساط زندگی شان پوچ و مبهم

ز آداب و رسوم خویش دورند

جوان هستند و سرمست از غرورند

گروهی هم ز مردان زمانه

کنون دارند اطوار زنانه

همه ابروی خود را کرده باریک

به تن کرده لباس تنگ و تاریک

لباس و شکل آنان جور واجور

نماد ظاهری شان نیز ناجور

تو گویی ریش شان را باد برده

ره مردانگی از یاد برده

فقط یک تگه مو در روی صورت

بینی ناگهانی توی صورت



به جای ریش یا جای سیل است
که در این امر خود اقوی دلیل است
قلوب مردم از هم چونکه دور است
که این هم نیز آثار ظهور است
به مسجد جمعیت بینی تو بسیار
که بر دنیا اسیرند و گرفتار
به هر جمعی که قرآن در میان است
بپرسید از مسلمانی نشان است؟
مسلمانی فقط دولاً شدن نیست
سه نوبت نزد یزدان تا شدن نیست
مسلمانی بُود آگاهی از راه
که باشی در مسیر راه الله
به فرمان خدا باشی همیشه
نمایی پاکی و تقوا تو پیشه
به فکر مردم محروم باشی
همیشه در پی مظلوم باشی
شود صحبت ز دجال زمانه
کز آن دوران بُود از او نشانه
نه او باشد که آید با خر لنگ
و هر مویش زند صد گونه آهنگ



بُود دَجّال شاید خانه تو

زن و فرزند و هم کاشانه تو

گهی دَجّال میز است و مقام است

که صاحب در پی ننگ است و نام است

گهی سرگرم باشی در تجارت

نمایی رو بر آن در حدّ عادت

همین مه واره دَجّال زمان است

که سرگرمی هر پیر و جوان است

لذا هر چشم نبود لایق او

که بر مهدی زهرایم کند رو

امیدم هست تا رویش ببینم

گلی از روی دلجویش بچینم

در این باره روایات است بسیار

که بگشایم کنون لب را به گفتار

یک از آثار پیدای روایت

که تاریکی ست در اوج نهایت

چو تاریکی بگیرد سرزمین را

شود خورشید روی دوست پیدا

ولی قبل از ظهور آن دلا را

به هر جا می شود آشوب بر پا



زمین پر می‌شود از ظلم و بیداد

شود پُر هر کجا از دزد و شیاد

شود برپا به هر جا جنگ خونین

نمی‌ماند اثر از دین و آیین

تجاوز، قتل و ظلم و جور و کشتار

به هر جای زمین گردد پدیدار

میان جاده، امنیت دگر نیست

فضای امن بر نوع بشر نیست

ز کمبود و ز قحطی و گرانگی

شود تاریک، دور زندگانی

شود کز آسمان باران نبارد

و یا باران بی هنگام آرد

نباشد مُصلحی اندر میانه

کند اصلاح کاری در زمانه

نباشد هیچکس تا بر فقیری

نماید از ترخّم دستگیری

نیاید آه مظلومی به گوشی

اگر آید نماید پرده پوشی

بجز مهدی یقیناً مُصلحی نیست

که دیدار رخ او قابل کیست؟



حکومت

الف: استبداد حکومت

در این دوران ز استبداد، فریاد

زمین پرگردد از^۱ هر ظلم و بیداد

شرافتمند اشک سرد بارد

در آن دم آرزوی مرگ دارد

چو در هر خانه بی ترس است و اندوه

غم و اندوه باشد همچنان کوه

ستمکاران^۲ زمام کار گیرند

شرافتمند مردان هم اسیرند

یکایک آرزوی^۳ مرگ دارند

که پا از این سرا بیرون گذارند

۱- حضرت علی میفرماید: «زمین پر از ستم و بیداد می‌گردد تا جایی که در هر

خانه‌ای ترس و اندوه وارد گردد- مصنف ابن ابی شیبه، ج ۱۵، ص ۸۹»

۲- امام باقر در این باره می‌فرماید: «مهدی علیه السلام هنگامی قیام می‌کند که زمام کارهای جامعه در دست ستمکاران باشد.»

۳- ابن عمر می‌گوید: «مرد شرافتمند و دارای مال و فرزند (در آخر الزمان) به خاطر

رنج‌ها و گرفتاری‌هایی که از سوی فرمانروایان می‌بیند، آرزوی مرگ می‌کند.»

روایت هست اینجا از پیغمبر
 ز ظلم و جور حکام^۱ ستمگر
 پیغمبر نیز در باب حکومت^۲
 بگوید از خلافت، هم امارت
 اشاره دارد او بر پادشاهان
 پس از آن بر حکومت‌های دوران
 ستمکاران و جباران چو آیند
 رهی بر سوی مهدی می‌کشایند
 به چشم انداز ایشان بر حکومت
 چو هر یک مبتنی شد بر روایت
 که پیغمبر حکومت کرد اعلام
 به نام نامی قرآن و اسلام
 پس از او هم که آمد هر امامی
 بدین معنا فرستاده پیامی

۱- رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «در آخر الزمان بلای شدیدی که سخت‌تر از آن
 شنیده نشده باشد از سوی فرمانروایان اسلامی بر امت من وارد خواهد شد به
 گونه‌ای که فراخنای زمین بر آنان تنگ خواهد گشت و زمین از بیداد و ستم
 لبریز گردد، آنچنان که مؤمن برای رهایی از ستم پناهگاهی که بدان پناهنده شود
 نمی‌یابد. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۶۵.»
 ۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «پس از من خلفایی بر سر کار خواهند آمد، بعد از
 خلفا، امرایی و پس از امراء پادشاهان و پس از آنان جباران و ستمگران، سپس
 مهدی علیه السلام ظهور می‌کند. المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۳۷۵»

حکومت‌ها شود با نام اسلام
همه کردند در هر جای اعلام
حکومت گرچه با این نام آید
ولی تا دوره مهدی نشاید

ب: ترکیب دولت‌ها

شود صحبت چو از مردان دولت
که باشد در کف آنان، حکومت
خیانت کار^۱ و فاسق‌گر که باشند
اساس کار را از هم بپاشند
که این هم خود نشانی از حضور است
نشانی خاص از عهد ظهور است

ج: نفوذ زنان بر حکومت‌ها

یکی دیگر نشان زان عهد و دوران
بُود فرمانروایی‌های^۲ نسوان

۱- پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «زمانی خواهد آمد که فرمانروایان ستم پیشه، فرماندهان خیانتکار، قاضیان فاسق و وزیران ستمگر می‌گردند» امالی شجری، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲- حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «زمانی خواهد رسید که افراد فاسد و زناکار به ناز و نعمت می‌رسند و فرومایگان مقام و موقعیتی پیدا می‌کنند و انسانهای با انصاف، ضعیف می‌شوند. سؤال شد: این دوره در چه وقت خواهد بود؟ فرمود: هنگامی که زنان و کنیزان بر امور مردم مسلط گردند و خردسالان به فرمانروایی برسند.»

د: فرمانروایی کودکان

حکومت چون رود از دست پیران

بیفتد در کف کوتاه^۱ فکران

اگر کاری به دست کودکان است

بدان که دوره آخر زمان است

در اینجا گر که از کودک مثالی ست

چو کوتاه فکری عین خردسالی ست

لذا اگر سرپرست کار گردند

دچار مشکل بسیار گردند

ه: تزلزل حکومت‌ها

حکومت‌ها اگر در راه خدمت

موجه می‌شود با فقد قدرت

ثباتی را نباشد در سیاست

که بنمایند کشور را حمایت

تزلزل^۲ در حکومت یک نشان است

نشان از دوره آخر زمان است

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از اول سال هفتاد، و حکومت کودکان به خدا پناه ببرید» مسند احمد ج ۲، ص ۳۲۶-۳۵۵-۴۸۸. سعید بن مسیب هم می‌گوید: «فتنه‌ای رخ می‌دهد و ابتدای آن بازی کودکان خواهد بود. ملاحم ابن طاروس، ص ۶۰»

۲- حکومت‌ها در آخر الزمان در حال تزلزلند و گاهی حکومتی روز بر سر کار می‌آید ولی هنگام غروب از کار برکنار می‌شود. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «چگونه خواهید بود هنگامی که بدون امام هدایت‌گر و علم و دانش



و: ناتوانی قدرت‌ها

چو قدرت^۱ هم در اینجا ناتوان است

اصول کار دست دشمنان است

لذا دشمن توانی را ندارد

یقین آن را به مهدی می‌سپارد



بمانید و از یکدیگر دوری جوید؟ [این زمان] آن گاه باشد که آزمایش شوید و افراد خوب و بد از هم جدا گردید و غربال و زیر و رو شوید. آن وقت که با شمشیرها در رفت و آمد باشد. حکومتی در آغاز روز روی کار می‌آید و با کشتار در آخر روز برکنار و سرنگون می‌شود» - کمال الدین ص ۳۴۸.

۱- امام سجاد علیه السلام فرمود: «آنگاه که امام زمان علیه السلام قیام کند، دشمنانش ناتوان‌ترین دشمنان خواهند بود و کمترین نیروها و تجهیزات را خواهند داشت» کافی، ج ۱

ص ۴۳۱.

فصل دوم:

وضعیت دینی مردم

الف: اسلام و مسلمانان

در اینجا صحبت است از دین مردم

چگونه می شود آیین مردم

از این دوران، روایت هست بسیار

که گفتارش برایم هست دشوار

چو از اسلام^۱ جز نامی نماند

کسی دیگر ز دین چیزی نداند

مسلمانی ست با نام مسلمان

نباشد چون عمل کردن به قرآن

بیاید این زمان دجال در راه

که مردم را نماید نیز گمراه

ب: مساجد

بُود مسجد اگر جای پرستش

که بنمایند یزدان را ستایش

۱- پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «دورانی بر امت من می آید که در آن، از اسلام جز نامی نماند و از قرآن اثری جز نقش و تصویری نباشد مسلمانان به نام مسلمان خوانده می شوند ولی نسبت به اسلام از هر کس بیگانه ترند.» بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۹۰.

مساجد هست در این^۱ دوره زیبا

هدایت نیست در آنها دریغا

به جای رشد و تبلیغات دینی

تجمل را به مسجدها بینی

ج: فقیهان

شود اوضاع این دوره دگرگون

همه از راه حق آیند بیرون

بود صحبت در اینجا از فقیهان^۲

شروع فتنه و آشوب ز آنان

د: خروج دین

خروج^۳ از دین در اینجا یک نشان است

نشان از دوره آخر زمان است

۱- پیامبر خدا ﷺ می فرماید: «مسجدهای آن زمان آباد و زیباست ولی از هدایت و ارشاد در آن خبری نیست.» بحار الانوار ج ۲، ص ۱۹۰.

۲- رسول خدا ﷺ می فرماید: فقیهان آن روزگار بدترین فقیهانند که در زیر آسمان به سر می برند. فتنه و آشوب از آنها شروع می شود و به آنان نیز باز می گردد.» بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۹۰.

۳- روزی امام حسین علیه السلام به نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد. گروهی گرداگرد حضرت علیه السلام نشسته بودند. ایشان به آنان فرمود: «حسین پیشوای شماست، رسول خدا او را سید و سرور نامیده است از نسل او مردی ظهور خواهد کرد که در اخلاق و چهره شبیه من است دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه [پیش از آن] پر از ستم و جور شده است.» سؤال شد: «این قیام چه زمانی خواهد بود؟» فرمود: «افسوس! هنگامی که از دین خارج شوید همچنانکه زن برای شوهرش از لباسش خارج می شود.» ملاحم ابن طاووس، ص ۱۴۴.

که مردم دست می‌شویند از دین

جدا گردند از هر دین و آیین

ه: دین فروشی

در این دوران که مردم دین فروشند

همه دین را به اندک می‌فروشند

از این روفتنه‌هایی هست در راه

که مردم را کند همواره گمراه



فصل سوم:

اخلاق پیش از ظهور

الف: سردی عواطف انسانی

در این دوران کسی در فکر کس نیست

تو گویی در جهان فریاد رس نیست

بنای خانواده می شود سست

محبت را کسی نتوان دگر جست

ترحم^۱ نیست دیگر بر ضعیفان

اعم از دوستان و قوم و خویشان

عواطف سرد و بی مهربی عیان است

نشان از دوره آخر زمان است

۱- رسول گرامی اسلام فرمود: «در آن روزگار، بزرگتران به زیردستان و کوچکتران رحم نمی کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی نماید. در آن هنگام خداوند به او (مهدی) اذن قیام و ظهور می دهد.» بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۸۰-ج ۳۶، ص ۳۳۵.

نیز آن حضرت می فرماید: «قیامت برپا نمی شود تا آنکه زمانی فرارسد که مردی (از شدت فقر) به اقوام و بستگان خود مراجعه کند و آنها را به خویشاوندی سوگند دهد تا بلکه به او کمک کنند ولی چیزی به او نمی دهند. نیز همسایه از همسایه خود درخواست کمکی می نماید و او را به همسایگی سوگند می دهد ولی همسایه کمکش نمی کند.» امالی شجری ج ۲، ص ۲۷۱.

نیز آن حضرت می فرماید: «از نشانه های قیامت بد رفتاری با همسایه و گسستن پیوندهای خویشاوندی است.» کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۴۰.

ب: فساد اخلاقی

در این دوران جنایت‌ها زیاد است

عوامل^۱ انحرافات و فساد است

که آزادی بُود بی بند و باری

جهان گردد خود از اخلاق عاری

چنان رفتار انسانی شود سست

که نتوان پاکی و تقوا در آن جست

همه انسان نما با خوی حیوان

که پستی هست در رفتار آنان

ج: گسرتش اعمال منافی عفت

ز اعمال^۲ نکوهیده به دوران فساد جامعه گردد فراوان

د: آرزوی کمی تعداد فرزند

پدر از بهر حفظ آبرویش

بُود همواره در دل آرزویش

۱- رسول خدا فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا آنکه زنی را در روز روشن و به طور آشکار (و در پیش روی همگان از چنگ صاحب‌اش) گرفته در وسط راه به او تعدی کنند ولی احدی این کار را نکوهش نکند و از آن جلوگیری ننماید. بهترین آدم کسی است که می‌گوید کاش کمی از وسط راه کنار می‌رفتی و کارت را انجام می‌دادی.» عقد الدرر، ص ۳۳۳.

۲- محمد بن مسلم گوید: «به امام باقر عرض کردم: ای فرزند رسول خدا قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ امام فرمود: هنگامی که مردها خود را شبیه زنها کنند و زنان شبیه مردان شوند آنگاه که مردان به مردان اکتفا کنند (یعنی لواط) و زنان به زنان.» کمال الدین، ص ۳۳۱.

چو باشد بر امور خویش پابند

بگوید راز دل را با خداوند

اگر چه نور چشم هست فرزند

نبودی کاش این^۱ فرزند دل‌بند

ه: افزایش خانواده‌های بی سرپرست

در این دوران وانفسا و بیمار

که مردان کم، زنان هستند بسیار

زنان بی سرپرست^۲ و فاقد کار

که بر آنان بُود این کار دشوار

که مشکل از زیادتی زنان است

نشان از دوره آخر زمان است

۱- پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «رستاخیز برپا نمی شود مگر آنکه کسی که پنج فرزند دارد آرزوی چهار فرزند کند و آنکه چهار فرزند دارد می گوید: کاش سه فرزند داشتم و صاحب سه فرزند آرزوی دو فرزند و آنکه دو فرزند دارد آرزوی یک فرزند نماید و کسی که یک فرزند دارد آرزو کند که: کاش فرزندی نداشتم.» فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۷.

۲- رسول خدا ﷺ می فرماید: «از نشانه‌های قیامت، این است که مردان کم می شوند و زنان بسیار تا آنجا که هر پنجاه زن یک سرپرست خواهند داشت.» سنن ترمذی، ج ۴، ص ۴۹۱.

نیز آن حضرت می فرماید: «قیامت نمی شود مگر آنکه روزگاری فرارسد که به دنبال یک مرد، حدود سی زن به راه افتند و هر کدام از او تقاضا کنند که با او ازدواج نماید.» فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۵۰۹.

انس می گوید: «آیا نمی خواهید حدیثی را که از پیامبر ﷺ شنیدم نقل کنم؟ پیامبر ﷺ فرمود: مردان از بین خواهند رفت و زنان باقی می مانند.» مسند احمد، ج ۳، ص ۳۷۷.

فصل چهارم:

امنیت پیش از ظهور

الف: هرج و مرج و ناامنی

از آن دوران نشان دیگری هست

بسی ناامنی است و هرج و مرج است

در آن دوران بجز رنج و محن نیست

ز آزادی^۱ و امنیت سخن نیست

چنانکه عرصه بر مردم شود تنگ

همه با یکدیگر باشند در جنگ

دگر بر هیچ کس رحمی نباشد

نظام جامعه از هم بپاشد

ب: ناامنی راهها

چو امنیت دگر در هیچ جا نیست

لذا امنیتی^۲ در راهها نیست

۱- رسول خدا می فرماید: «ظهور مهدی (عج) هنگامی خواهد بود که دنیا دچار آشفتگی و هرج و مرج گردد و گروهی به گروه دیگر یورش برند.» بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۵ و ج ۵۲، ص ۳۸۰.

۲- رسول خدا ﷺ خطاب به دختر گرانقدرش می فرماید: «سوگند به آن خدایی که مرا به حق برانگیخت. به راستی مهدی این امت از نسل حسنین است هنگامی که جهان را هرج و مرج و نابسامانی فراگیرد فتنه‌ها (یکی پس از دیگری) آشکار گردد. جاده‌ها و راهها ناامن شود و برخی بر عده‌ای هجوم برند

قساوت گسترش یابد به هرجا

که ناامنی بگیرد جاده‌ها را

جهان پُر می‌شود از ظلم و بیداد

کز آن ظلم و ستم‌ها داد و فریاد

ج: جنایات هولناک

جنایات ستمکاران عالم

در این دوران تو می‌بینی دمام

کز آن فرمانروایان ستمگر

جهانی شعله ور گردد سراسر

به هرجا چوبه‌های دار برپاست

بساط فتنه و کشتار برپاست

ز قتل کودکان^۱ و خردسالان

گرفته تاز پیران و جوانان

نه بزرگ بر کوچک ترخم کند و نه کوچک بر بزرگ احترام گذارد (در چنین هنگامه‌ای) خداوند شخصی از نسل این دو (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) را برمی‌انگیزد تا دژهای گمراهی را (در هم شکند و) فتح کند دل‌هایی را که پرده‌ی جهل و ناآگاهی آنها را فرو پوشانده (و از درک حقایق محجوب ساخته است) بگشاید. او در آخر الزمان به پا می‌خیزد همان گونه که من در اول زمان به پا خواستم و دنیا را پُر از عدل و داد می‌کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.» عقد الدرر، ص ۱۵۲.

۱- ابن عباس می‌گوید: «سفیانی و فلانی خروج می‌کنند و با هم می‌جنگند تا جایی که شکم زنان را می‌درد و کودکان را در دیگ‌های بزرگ می‌گدازد و می‌سوزانند.» فتن ابن حماد، ص ۸۳



مکتبانه در راه

د: آرزوی مرگ زندگان

در آن دوران که مشکل هست بسیار

به نوعی هرکسی باشد گرفتار

همه آنقدر در زیر فشارند

که هر یک^۱ آرزوی مرگ دارند

ه: به اسارت رفتن مسلمانان

فشار زندگانی چون فزون شد

میان مردم از حدش برون شد

مسلمانان^۲ به مزدوری درآیند

به هرکاری پس از آن رو نمایند

زن و مرد مسلمان برده گردد

به دست مشرکان آواره گردد



۱- رسول خدا ﷺ می فرماید: «سوگند به آنکه جانم در دست اوست دنیا به پایان نمی رسد تا آنکه زمانی فرار رسد که مرد به هنگام عبور از گورستان خود را روی قبر انداخته، می گوید: ای کاش من به جای صاحب این قبر بودم در حالی که مشکل او بدهکاری نیست بلکه مشکل او گرفتاری ها و فشار روزگار و ظلم و جور است.» المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۴۱۰.

۲- حدیفة الیمان گوید: «پیامبر ﷺ ضمن بر شمردن مشکلاتی که مسلمانان با آن روبرو خواهند شد فرمود: «در اثر فشارهایی که بر آنان وارد می شود آزاده ها را می فروشند و زنان و مردان به بردگی اقرار می کنند. مشرکان، مسلمانان را به استخدام و مزدوری خود در می آورند و آنان را در شهرها می فروشند و کسی بر این امر دلگیر نمی شود. نه نیکان، نه بدان، نه فاجران.» ملاحم ابن طاووس، ص ۱۳۲.

ستمکاران چو در جوش و خروشند

همین آزاده‌ها را می‌فروشند

و: فرو رفتن در زمین

سخن از جنگ و کشتار است اینجا

سخن از رنج بسیار است اینجا

چو مردم جمله با هم جنگ دارند

عموماً انتظار مرگ دارند

که می‌پرسند این را دائم از هم

ز بهر چیست امشب رنج و ماتم

زمین امشب^۱ چه کس را می‌رباید؟

کدامین خانه را درمی‌گشاید!

ز: افزایش مرگهای ناگهانی

یکی هم مرگهای^۲ ناگهانی ست

در آن دوران نشانی جاودانی ست

۱- رسول خدا فرمود: «به طور حتم بر امت، روزگاری فرارسد که روز را به شب

برسانند، در حالی که از یکدیگر بپرسند زمین امشب چه کسانی را فرو برد.

همچنانکه از یکدیگر می‌پرسند از فلان قبیله چه کسانی زنده مانده‌اند و آیا از

فلان خانواده کسی زنده مانده است.» المطالب العالیه، ج ۴، ص ۳۴۸.

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از نشانه‌های رستاخیز، بیماری فلج و مرگ

ناگهانی است.» امالی شجری، ج ۲، ص ۲۷۷.

نیز می‌فرماید: «قیامت برپا نمی‌گردد تا اینکه مرگ سفید ظاهر شود. گفتند: یا رسول

الله مرگ سفید چیست؟ فرمود: مرگ ناگهانی.» الفائق، ج ۱، ص ۱۴۱.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: پیش از ظهور قائم علیه السلام مرگ سرخ و سفید وجود

دارد... مرگ سفید طاعون است.» غیبه نعمانی، ص ۲۷۷.



نشانهایی در این عالم پدید است

یک از آنها همین مرگ سفید است

ح: ناامیدی جهانیان از نجات

در این دوران نشانش ناامیدی است

که هنگام ظهور خاص مهدی است

چنان سختی در این دور حیات است

که نومیدی مردم^۱ در نجات است

ط: نداشتن دادرس و پناه

چنان امت گرفتار بلایند که راهی را برای خود نیابند

نباشد مؤمنین را چون پناهی^۲ کز این ظلم و ستم یابند راهی

ی: جنگ و کشتار و فتنه‌ها

که پیرامون قتل و جنگ و کشتار^۳

در اینجا هم روایت هست بسیار



۱- رسول خدا فرمود: «ای علی! ظهور مهدی در هنگامی است که شهرها دگرگون شده، بندگان خدا ضعیف می‌شوند و از ظهور مهدی مایوس می‌گردند. در این هنگام مهدی قائم از فرزندان من ظاهر می‌گردد.» احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۲۵.

۲- پیامبر اکرم می‌فرماید: «بلا و گرفتاری چنان بر این امت فرود آید که انسان هیچ پناهگاهی که از ظلم به آن پناه برد، نمی‌یابد.» بیان شافعی، ص ۱۰۸.

۳- رسول خدا: «پس از من چهار فتنه به شما خواهد رسید: در فتنه اول خونها مباح شمرده می‌شود. در فتنه دوم خونها و اموال حلال می‌شود. در فتنه سوم خونها و مالها و نوامیس مردم مباح شمرده می‌شود. فتنه چهارم فتنه‌ای است که کور و کور و بسیار سخت است که کسی از آن فتنه پناه نمی‌یابد.» الملاحم، ص ۲۱.

فصل پنجم:

اقتصاد جهان در عصر ظهور

در این دور، از فساد و از تباهی
فراگیرد جهانی را سیاهی
چو وضع اقتصادی هم خراب است
تو گویی عالمی در پیچ و تاب است
نباشد در میان رحم و مروت
نیاید ز آسمان باران رحمت
به غیر موسم آ باران ببارد
ضرر بهر کشاورزی بیازد
دگر بر بار ننشیند زراعت
هم از رونق رود کار تجارت
به فقر و فاقه مردم روی آرند
برای زندگی راهی ندارند
که مردان می برند با رنج بسیار
زنان و دختران را سوی بازار
از این که لقمه نانی بر کف آرند
لذا ناموس خود را می سپارند



الف: کمبود باران و باریدن بارانهای بی موقع

در این دوران به فرمان خداوند

شود باران به فصل و موسم اش بند

به غیر فصل چون باران^۱ ببارد

زراعت را دگر حاصل ندارد

در این دوران شود چون آب نایاب

همه دارند دایم مشکل آب

ب: خشک شدن دریاچه‌ها و رودها

شود دریاچه‌ها^۲ و رودها خشک

فرات و رود نیل و چشمه‌ها خشک

از اینکه آب در سطح زمین نیست

یکی از مشکلات اقتصادی ست

ج: شیوع گرانی، گرسنگی، فقر و کساد تجارت

در اینجا مشکلات اقتصادی برّد بازار را سوی^۳ کساد

۱- رسول خدا ﷺ می فرماید: «زمانی بر مردم فرارسد که خداوند باران را در فصل و موسم اش حرام گرداند و باران نازل نمی شود و آن را در غیر موسم اش فرستد.» جامع الاخبار، ص ۱۵۰.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «... باران در فصل گرما و تابستان می بارد.» دوحه الانوار، ص ۱۵۰.

۲- پیامبر اکرم می فرماید: «و شهرهای مصر در اثر خشکی رود نیل، ویران می شود.» بشاره الاسلام، ص ۲۸.

نیز آمده است: «... رودخانه‌ها خشک می شود، گرانی و قحطی به مدت سه سال به درازا می کشد.» بشاره الاسلام، ص ۹۸.

۳- امیر مؤمنان به ابن عباس فرمود: «تجارت و معاملات زیاد می شود ولی بهره‌ای

به سود اندکی گردد تجارت گران هم می شود هر لحظه قیمت
ز سختی و ز کمبود درآمد پریشانی و قحطی را فزاید

د: مبادله زنان در ازای مواد غذایی

کز این قحطی، پدر با رنج بسیار

ببرد فرزند خود را سوی بازار

کنیزخانه یعنی بانوان را

کنار مادران هم دختران را

که شاید لقمه‌ای بر کف^۱ بیارند

زن و فرزند خود را می گذارند



اندک نصیب مردم می گردد. پس از آن قحطی سختی رخ می دهد.» ملاحم ابن طاووس، ص ۱۲۵.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «... در آن هنگام سفیانی خروج می کند آنگاه مواد غذایی کم شده، قحطی به مردم روی می آورد و باران کم می بارد.» ملاحم ابن طاووس، ص ۱۳۳.

۱- ابو محمد از مردی از اهل مغرب روایت می کند:

«مهدی ظهور نمی کند تا آنکه شخص (از شدت فقر و تنگدستی) دختر یا کنیز زیبای خود را به بازار می آورد و می گوید: کیست که این دختر را از من بخرد و در برابر آن خوراک بدهد؟ در این شرایط است که مهدی ظهور می کند.» ملاحم ابن طاووس، ص ۵۹.

فصل ششم:

روزنه‌های امید

برای بندگان، خود این نوید است

که در دلهایشان نور امید است

نویدی کز برای مؤمنان است

که آن هم نیز سهم شیعیان است

از اینکه حافظ دین‌اند آنان

عموماً تابع فرمان قرآن

همیشه تابع حق‌الیقین‌اند

یکایک حافظ دین‌میین‌اند

ز شهر قم کند راوی روایت

که بنماید ز شیعه این حکایت

الف: مؤمنان حقیقی

تمام آن برادرهای دینی که بوده مؤمن و پاک^۱ و حقیقی

۱- زید زراء می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «می‌ترسم ما از مؤمنان نباشیم.» امام فرمود: «چرا چنین فکر می‌کنید؟» گفتم: «زیرا می‌بینم در میان ما کسی نیست که برادرش را بر درهم و دینار مقدم دارد ولی این را می‌بینم که درهم و دینار را بر برادر دینی که ولایت امیر مؤمنان علیه السلام ما را دور یکدیگر به گرد آورده ترجیح می‌دهیم.» امام صادق علیه السلام فرمود: «این چنین نیست که می‌گویی، شما اهل ایمان هستید. لیکن ایمان شما کامل نمی‌شود تا هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند در آن هنگام خداوند خرد شما را کامل می‌کند و

کنار مهدی موعود آیند شکوهی بر امور دین فزایند

ب: نقش علما و دانشمندان (شیعه)

اگر مردان دانشمند و نامی علمای اگرا نقدر و گرامی
میان مردم دنیا نباشند که تا عطر ولایت را بپاشند
جهان یکسر کند رو بر سیاهی فساد و جهل و پستی و تباهی

ج: نقش شهر قم در آخرالزمان

در اینجا شهر قم نقشی که دارد

گروهی مرد پرچمدار آرد

که پرچمدار^۲ نور و روشنایی

بُود خارج زمکر و خودنمایی

شما مؤمنان کامل می شوید. سوگند به آن خدایی که جانم در دست قدرت
اوست که در سراسر جهان، انسانهایی هستند که همه دنیا در نظرشان با پر
پشه‌ای برابری نمی کند.» بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۵۱.

۱- امام هادی علیه السلام می فرماید: «اگر در دوران غیبت قائم آل محمد علیهم السلام دانشمندانی
نبودند که مردم را به سوی او هدایت کنند و با حجّت‌های الهی از دینش دفاع
نمایند و شیعیان ضعیف را از دام‌های شیطان و پیروانش رهایی دهند و از
تله‌های ناصبی‌ها (و دشمنان اهل بیت) نجات بخشند، کسی در دین خدا پا
برجا نمی ماند و همه مرتد می شدند ولی آنان رهبری دلهای شیعیان ضعیف را با
قدرت در دست می گیرند و حفظ می کنند چنانکه ناخدای کشتی، سگان و
فرمان کشتی را نگاه می دارد. بنابراین آنان نزد خدا والاترین انسانها هستند.»
تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص ۳۴۴.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیرامون زنده کننده دین در هر قرن می فرماید: «خداوند بزرگ برای
امت اسلام در آغاز هر قرن شخصی را برمی انگیزاند تا دین را زنده و احیا
نماید.» سنن ابی داوود ج ۴، ص ۱۰۹.

۲- روایات بسیاری وجود دارد که این شهر مقدّس، انسان‌های وارسته‌ای را که در

یکایک در ره نقش رسالت

به کف دارند رایات امامت

د: تأیید خط فکری قم

از اینکه مردمش اهل خضوع اند	همه اهل خضوع اند و خشوع اند
همه اهل رکوع اند ^۱ و سجودند	همه اهل قیام اند و قعودند
عموماً هم دلی آگاه دارند	که سر بر درگه الله دارند
نویدی هست آنها در قیامت	همه هستند یاران ولایت

آن وجود خود را از چشمه زلال مکتب اهل بیت علیهم السلام سیراب کرده و رسالت ابلاغ پیام را به عهده گرفته اند می ستایید.

صفوان می گوید: روزی نزد (ابا الحسن) امام کاظم علیه السلام بودم و سخن از مردم قم و میزان علاقه و میل آنان به حضرت مهدی علیه السلام به میان آمد. امام هفتم فرمود: «خداوند آنان را رحمت کند و از آنان خشنود باشد. آن گاه ادامه داد بهشت هشت درب دارد که یکی از آنها برای مردم قم است در میان شهرها و کشورها، آنان نیکان و نخبگان شیعیان ما هستند. خداوند ولایت و دوستی ما را با طینت و سرشت آنان آمیخته است.» بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

۱- امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «هر فراز قم فرشته ای است که دو بال خود را بر آن به حرکت در می آورد و هیچ ستمگری به آن قصد سویی نمی کند مگر آنکه خداوند او را همانند نمک در آب ذوب کند.» حضرت آنگاه به عیسی بن عبدالله اشاره کرد و فرمود: «درود خداوند بر قم! پروردگار جهان، سرزمین شان را از باران سیراب و برکاتش را بر آنان نازل می گرداند و گناهانشان را به حسنات مبدل می سازد. آنان اهل رکوع، سجود، قیام و قعودند. چنانکه آنان فقیهان، دانشمندان و اهل درک و فهم هستند. نیز همانان اهل درایت و روایت و بینش و نیکو عبادت کنندگان هستند.» بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.

در روایت دیگری آمده است: «اگر مردم قم نبودند دین از بین می رفت.» بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.



ای قوت قلب شیعیان ادرکنی

ای مرهم درد خستگان ادرکنی

در موج بلاخیز زمان غوطه وریم

یا صاحب عصر والزمان ادرکنی

یا رب اسیر روی چنان ماه سرمدیم

امشب به پای بوسی آن ماه آمدیم

از بهر محو این همه ظلم و فساد و کفر

در انتظار قائم آل محمدیم

ما طاقت دوریت نداریم بیا

مولا همگی در انتظاریم بیا

آنقدر که مست و بیقراریم بیا

از جام ولایت چنان لبریزیم

خواهیم ز توبه آه و زاری مولا

بر دیده‌ی ما قدم گذاری مولا

گویند زمانی که تو از ره بررسی

شمشیر علی به دست داری مولا



یا مهدی ادرکنی

تو پادشه کون و مکانی مهدی

مأمور ولایت جهانی مهدی

تو صاحب عصر و زمانی مهدی

در پرده چرا دگر نهانی مهدی

برخیز و بساط ظلم را بر هم زن

یکباره صلای عدل در عالم زن

از مقدم تو جهان گلستان گردید

زینت ز تو نام ماه شعبان گردید

از روی تو عالمی درخشان گردید

در پرده چه شد رخ تو پنهان گردید

برخیز و بساط ظلم را بر هم زن

یکباره صلای عدل در عالم زن

تو آینه‌ی جمال جانان گشتی

در بحر وجود موج امکان گشتی

از گوهر آن تو سر سبحان گشتی

خود زیور خاتم رسولان گشتی

برخیز و بساط ظلم را بر هم زن

یکباره صلای عدل در عالم زن



بر جمله‌ی شیعیان تو هستی سرور

در بحر شرف تویی ثمین الجوهر

در حلقه‌ی دین نگین این انگشتر

تو تکیه گهی بر اقامت پیغمبر

برخیز و بساط ظلم را بر هم زن

یکباره صلای عدل در عالم زن

دانم که تو حجتی و خود محرم راز

از نسل مطهر علی میر حجاز

در راه کرم پادشهی بنده نواز

برخیز و نقاب چهره را دور انداز

برخیز و بساط ظلم را بر هم زن

یکباره صلای عدل در عالم زن

ترسیم به دل، نقش خیالت کردیم

از چهره‌ی پاک و بی مثال کردیم

نادیده تو را وصف جمالت کردیم

ما تکیه بر آن فضل و کمالت کردیم

برخیز و بساط ظلم را بر هم زن

یکباره صلای عدل در عالم زن

از دیده‌ی ما اگر چه پنهانی تو

در پرده‌ی شب، مه‌ فروزانی تو



ما مور ضعیف و خود سلیمانی تو

یاری دِه مردم، پریشانی تو

برخیز و بساط ظلم را بر هم زن

یکباره صلاهی عدل در عالم زن

انتظار

هر شب ستاره می‌شمرم من ز انتظار

در انتظار دیدن روی مَه نگار

چشمم به راه مانده و در ره نشسته‌ام

دارم بسی گلایه هم از جور روزگار

با یاد او به خلوت دل می‌توان که دید

در شام تار هجر، ستاره ست بیشمار

هر شب ستاره می‌شمرم از غم فراق

شاید که کاروان خبری آرد از دیار

وقت پگاه می‌نگرم سوی آسمان

در جمعه‌ها که روح و دلم هست بیقرار

اقا برای دیدن روی مَه امام

شب‌ها ستاره می‌شمرم من ز انتظار



روح آدینه

نقش آینه‌ی جهان مهدی ست

روح آدینه‌ی زمان مهدی ست

آنکه آمد به نیمه‌ی شعبان

گشت خورشید دین عیان مهدی ست

ماه برج امامت اسلام

شده از دیده‌ها نهان مهدی ست

آنکه در آفتاب محشر هست

بر سر شیعه سایبان مهدی ست

آنکه پامی نهد به مسند عدل

تا نشنید به عزّ و شان مهدی ست

که برای تداوم اسلام

رهبر کل شیعیان مهدی ست

رایت علم و دین به کف دارد

مظهر عدل این جهان مهدی ست

آنکه چون تیغ از نیام کشد

ندهد خصم را امان مهدی ست

آنکه آید برای خونخواهی

با دو چشمان خونفشان مهدی ست



آنکه هر جمعه در پیش هستیم

تا دهد راه را نشان مهدی ست

آنکه آید برای محو فساد

تا که بردارد از میان مهدی ست

هر کجا بنگری همه گویند

که امام زمان مان مهدی ست



گوهر بحر ولایت

مهدی صاحب زمان، که بر جهان سرور است
زدامن نرجس و زتیره قیصر است
سرو قد سیمبر، طرّه مشکین نگر
آن مہ والا گهر، ز نسل پیغمبر است
هم آخر الاولیا، هم آخر الاوصیا
به خاتم انبیا، نگین انگشتر است
آنکه ندارد آلم، شسته ز دل زنگ غم
آینه ایزدی، خدای را مظهر است
پدید شد در صدف، گوهر عز و شرف
چشمه آب بقا ز چشمه کوثر است
بحر امامت اگر چنین گهر پرورید
بحر ولایت نگر، عجب گهر پرور است
پرتو نور اله، ظلّ خداوندگار
بقیة الله شد، چو زاده حیدر است
اگر ز جور زمان رها شود این جهان
دعا شود مستجاب، چونکه خدا داور است



انتظار

زمین و زمان است در انتظار

تمام جهان است در انتظار

زکوه و زصحر او دشت و کویر

که تا آسمان است در انتظار

و خورشید هم در کمینگاه صبر

چنان که هکشان است در انتظار

همه جا خلاء هست و انسان خموش

ز شور و فغان است در انتظار

همه جا پُر از کژی و کاستی ست

از این رو جهان است در انتظار

زمین از فشار و ز تبعیض‌ها

بسی خونچکان است در انتظار

و مه در شبانگاه غمرنگ خویش

بچرخ زمان است در انتظار

به پا تا شود پرچم عدل و داد

کران تا کران است در انتظار

برای طلوعی دوباره، همه

ز پیر و جوان است در انتظار



به چشم من و تو اگر غایب است

به پرده نهان است در انتظار

قیام حسینی طلوعی دگر

که روح و روان است در انتظار

برای یکی لحظه انتقام

بشیر سالیان است در انتظار

همه خلق خواهان خون حسین

که او همچنان است در انتظار

ز بهر شفاعت همه دیدگان

بر این خاندان است در انتظار

برای فنای همه سرکشان

امام زمان است در انتظار

۱۳۷۶ / ۸ / ۸ تهران



مقام زین العابدین



بیا مولا ز هجرت بیقراریم

خداوندا فدای جان مهدی

الهی من شوم قربان مهدی

همان مهدی که قلب شیعیانه

همان مهدی که روح و جسم و جان

همان مهدی که در پرده نهان

به پیش چشم ما هر دم عیان

همان مهدی که ما در انتظارش

همه هستیم و دلها بیقرارش

همان مهدی که دایم چشم به راشیم

به راهش اشک هجران را بپاشیم

همش میگم بیا، مهدی دوران

که دنیا بی تو گردیده ست ویران

بیا مهدی که ما در انتظاریم

تو میدونی دیگه طاقت نداریم

بیا مهدی نگاهی سوی ما کن

به یک دیدار درد ما دوا کن

به پا کن پرچم عدل و عدالت

ز دنیا دور کن ظلم و جهالت



جوانان را به لطف خویش دریاب

همه غرقند در اعماق گرداب

نظر بنما به سوی مستمندان

برآور از کرم حاجات آنان

نظر دارند بر تو دردمندان

شبی آبی تو بر بالین ایشان

بیا مولا ز هجرت بیقراریم

همه چشم شفاعت بر تو داریم



حجّت زمان

کجایی ای ماه آسمانی

کجایی ای شاهد نهانی

کجایی ای حامی ضعیفان

چرا به صحرای بی نشانی

که من کنم روز و شب ز هجران

به ابر دیده گهر فشانی

تو محور عالم خیالی

ولی حق، حجّت زمانی

کجایی ای مظهر عنایت

که غم زدلهای مارهانی

چو میدانم ای عزیز جانها

تو مهربانی تو مهربانی

کجایی ای شهریار ایمان

به مُلکِ دل رهبر جهانی

خليفةُ الله روزگاری

به باغ ولایت تو باغبانی

بیا که دل شد اسیر رویت

کجایی ای ماه آسمانی

دی ماه ۱۳۸۳ تهران



یا مهدی

در دوره‌ی ظهورم	شرمنده‌ی حضورم
ای مُنجی دو عالم	از محضر تو دورم
ای مـفخر امامت	ای مـظهر غرورم
تو حاضری به هرجا	من بسینوا و کورم
ای غایب از نظرها	در هجر تو صبورم
هر جمعه از پگاهان	در حالت سُورم
بوی تو می‌کنم حس	سرمست از این غرورم
روحم اسیر عشق است	چون زنده‌یی به گورم
یارای گفتم نیست	رفته ز کف شعورم
بُرقع ز رخ بیفکن	مشـتاق روی نورم
دانم ز عمق جانم	در دوره‌ی ظهورم
مهدی بیا بیا که	دیوانه‌ی حضورم



یا مهدی یا مهدی

میخوام تو رو صدات کنم	یا مهدی یا مهدی
تا که بیایی نیگات کنم	یا مهدی یا مهدی
میگن که تو وقتی بیای	عدل و عدالت میاری
ریشه‌ی ظلم و میزنی	نهال خوبی می‌کاری
ای سرور و مولایمان	بر لب رسیده جانمان
بنگر کنون به شیعیان	یا مهدی صاحب زمان
ما دیگه طاقت نداریم	همه می‌گیم مهدی بیا
به راه تو گل می‌کاریم	همه می‌گیم مهدی بیا

مهدی بیا - مهدی بیا (۲)

همه به ره بنشستیم	یا مهدی یا مهدی
به مهر تو دل بستیم	یا مهدی یا مهدی
میگن که با او مدنت	دنیا چراغونی میشه
از نعمت وجود تو	هر جا فراوونی میشه
ای سرور و مولایمان	بر لب رسیده جانمان
بنگر کنون به شیعیان	یا مهدی صاحب زمان
ما دیگه طاقت نداریم	همه می‌گیم مهدی بیا
به راه تو گل می‌کاریم	همه می‌گیم مهدی بیا

مهدی بیا - مهدی بیا (۲)



نیمه شعبان

به نیمه شعبان مهی دگر آمد

زنسل پیغمبر چنین پسر آمد

زدامن زهرا گل ولا آمد

که حجتی بر حق برای ما آمد

بیا و شادی کن که ماه شعبان است

زمقدم مهدی جهان گلستان است

همه بپا خیزید که مهدی آمده است

گل و شکر ریزید که مهدی آمده است

به نیمه شعبان جهان منور شد

بساط هر دو جهان از او معطر شد

خدا به خلق جهان چنین گهر را داد

تولد مهدی، تو را مبارک باد

بیا و شادی کن که ماه شعبان است

زمقدم مهدی، جهان گلستان است

همه بپا خیزید که مهدی آمده است

گل و شکر ریزید که مهدی آمده است

خدا به خلق جهان چنین گهر را داد

تولد مهدی، تو را مبارک باد



ز چشم یارانش اگر چه پنهان است
 ولی برای همه چو جان جانان است
 همه بپا خیزید که مهدی آمده است
 گل و شکر ریزید که مهدی آمده است
 خدا به خلق جهان چنین گهر راداد
 تولد مهدی، تو را مبارک باد
 پاییز ۱۳۷۹ تهران.

مردم از این انتظار

ای منجی روزگار	ای مظهر اقتدار
ای سایه عزت و	آزادی و افتخار
در حیطه امامت	هستی تو آینه دار

آقا امام زمان

مردم از این انتظار (۲)

از پرده روکن برون	چهره بکن آشکار
عاشق روی توام	دلخسته و بیقرار
از دوریت روز و شب	گریه کنم زار زار

آقا امام زمان

مردم از این انتظار (۲)

آماده شد این جهان	با امر پروردگار
-------------------	-----------------



دانم ز پرده برون گردد یکی شهسوار
رخسار او همچو ماه دارد به کف ذوالفقار

آقا امام زمان

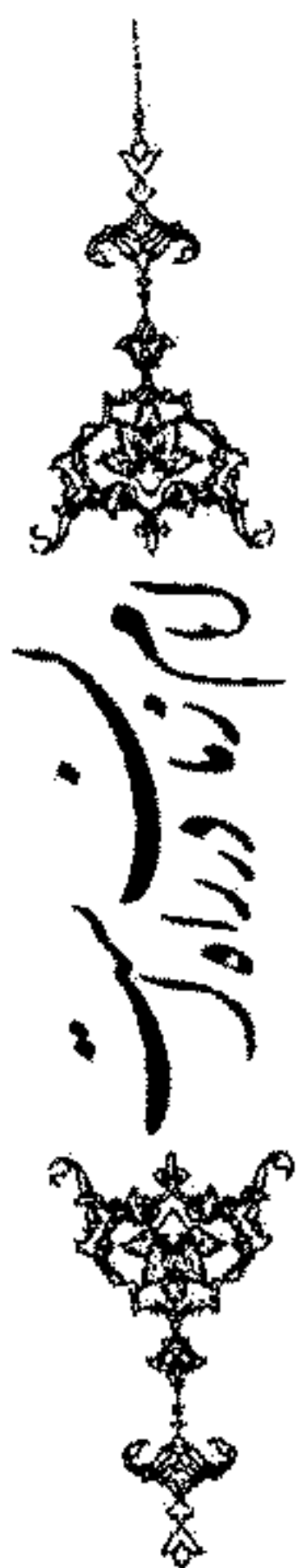
مُردم از این انتظار (۲)

مولا عزیز دلم گشتم به عشقت دچار
آتش هجران تو در دل فکنده شرار
از رخ بیفکن نقاب دیگر ندارم قرار

آقا امام زمان

مُردم از این انتظار (۲)

۱۳۸۱ / ۱۰ / ۲۲ تهران



ای امام زمان

ز عشقت بیقرارم ای نگارا

سرو سامان ندارم ای نگارا

به یاد روی تو هر شب به بالین

سرم را میگذارم ای نگارا

همیشه من نظر دارم به راحت

بیا در انتظارم ای نگارا

تو جانان منی جانم فدایت

زهجرت بیقرارم ای نگارا

تو هستی در جهان سخت، امروز

امید روزگارم ای نگارا

به شوق دیدن رویت شب و روز

امیدی خاص دارم ای نگارا

برای پرچم عدل و عدالت

به تو امیدوارم ای نگارا



سرود مهدویت

ای منجی کل جهان مولا امام شیعیان
صاحب عصر و الزمان از دست دنیا الامان
بیا برس به دادمان

مولا به فریادم برس جز تو ندارم هیچکس
آخر تویی فریاد رس بشنو کنون فریادمان

بیا برس به دادمان

دنیا پر از خیانته جنگ و خون و جنایته
این وعده قیامته از دست دنیا الامان

بیا برس به دادمان

مهر و محبت دیگه نیست عدل و عدالت دیگه نیست
یاد از قیامت دیگه نیست بشنو کنون فریادمان

بیا برس به دادمان

دنیا شده پر از ریا رفته ز دل یاد خدا
مهدی بیا مهدی بیا بشنو کنون فریادمان

بیا برس به دادمان

اقدس کاظمی ۱۳۸۱/۸/۲۵



یا مهدی

از دست این روزگار	این فلک کجمدار
رفته ز دستم قرار	گریه کنم زار زار
ای خاتم اولیا	نور دل انبیا
دل شد به تو مبتلا	گریه کنم زار زار
رو کردی از من نهان	هستی به چشم عیان
در هجرت ای مهربان	گریه کنم زار زار
بنگر که با چشم تر	دارم به راهت نظر
ریزم به پایت گهر	گریه کنم زار زار
آقا امام زمان	برس به فریادمان
در غربت شیعیان	گریه کنم زار زار



رنج فراق

من نادره زن به روزگارم ثابت شده آنکه مرد کارم
هر جا گره‌یی که بسته باشد مفتوح شود چو پاگذارم
چون مست ز باده‌ی الستم گه مستم و نیز گه خمارم
مردانه صفت روم به هر جا ترسی بجز از خدا ندارم
خیری ز جهان ولی ندیدم در حسرت خویش سوگوارم
دل هر چه طلب نماید از من پا بر دل خویش می‌گذارم
پاس همه داده‌های یزدان شکرانه همی بجای آرم
عمری ست در آرزوی دیدار بنشسته‌ام و در انتظارم
در دیدن روی ماه جانان امید جمال یار دارم
تا مهدی من ز در درآید در راه وصال بیقرارم
هر لحظه درنگ در فرج را با رنج فراق می‌شمارم

التماس دعا داد

اقدس کاظمی



۱۲ بیت به نام ۱۲ امام معصوم

هتک حرمت به محضر دو گوهر امامت و ولایت که قلوب شیعیان را

جریحه دار ساخت

تسلیت دارم ای امام زمان	بر تو ای پیشوای کل جهان
سوخت دلهای شیعیان امروز	از جنایات زاده سفیان
گفته شد ظلم چون فزون گردد	خواهی آمد تو ای امام زمان
ظلم از این بیشتر که ویران شد	بارگاه دو گوهر ایمان
آن جنایت گر زمان کی بود	هتک حرمت نمود از آنان
کز جنایات آن خیت لعین	دیده شیعیان بود گریان
وقت آن است پرده بگشایی	شوی ای ماه وارد میدان
تا بگیری تو انتقام حسین	از همه ظالمان و بدخواهان
گر چه امروز نسل شان باقی ست	دشمن توست زاده سفیان
وای از آن دم که برق شمشیرت	برخورد با سر ستمکاران
چشم بر راه تو منم، مولا	با امیدی که باشم از یاران
چونکه تنها تویی که می باشی	حامی دین و مذهب و قرآن

با تأثر بسیار تقدیم نمود: اقدس کاظمی (مرگان)

۲۳ محرم ۱۴۲۷

۸۴/۱۲/۳